

جنبه انگلیسی در آثار

هنرمی پورسل

« جهان موسیقی در سال جاری سیصدمین سال تولد هنری پورسل را جشن می‌گیرد. البته تاریخ دقیق تولد این استاد بزرگ انگلیسی که بدوره باروک متعلق است آشکار نیست. در انگلستان سال ۱۹۵۹ روز یادبود پورسل به‌مراه مراسمی که برای تجلیل از هنرندل بعمل می‌آید جشن گرفته می‌شود و از این رهگذر جنبه مخصوص انگلیسی آثار پورسل به‌بهترین وجه مورد توجه و عنایت قرار می‌گیرد. مقاله ذیل که اثر ژاک آلن وستروپ Jack Allan Westrup یکی از موزیکولوگ‌های مهم انگلستانست بحق می‌تواند نسبت به شناختن استاد سهمی ادا کند »

هنگامی که پورسل در سال ۱۶۹۵ بسن سی‌وشش سالگنی دیده از جهان فرو بست یکی از روزنامه‌های لندن او را بعنوان « یکی از برجسته‌ترین استادان مهم موسیقی که از هیچیک از همکاران اروپائی خود دست کم ندارد » ستود. شهرت او پس از مرگش نیز پایدار ماند. جلد اول از مجموعه لید - های اصیل او در سال ۱۶۹۸ یعنی سه سال پس از مرگش تحت عنوان

Henry Purcell - ۱



هنری پورسل

اقتباس از تابلو رنگ و روغن اثر Klostermann

« Orpheus Britannicus »^۱ منتشر و جلد دوم آن در سال ۱۷۰۲ از طبع خارج شد و چنان با موفقیت قرین گردید که در سالهای ۱۷۰۶ و ۱۷۱۱ چاپ دوم و در سال ۱۷۲۱ چاپ سوم آن نشر یافت. آثار پورسل در قرن هجدهم نیز اجرا شد و البته در این میان به آثار مذهبی او بیشتر عنایت می شد. دو تن از مورخین انگلیسی این دوره بنام چارلز برنی Charles Burney و جون-هاو کینز John Hawkins به موسیقی او توجه خاص مبذول می دارند. اما مع هذا رواج کم نظیر آثار هندل اندک اندک از جلوه آثار او کاست. هر چند که آثار مختلفی از پورسل در آغاز قرن نوزدهم انتشار یافت

۱ - اورفه بریتانیایی

باید متذکر بود که این آثار فقط در وهله اول مورد علاقه دوستداران موسیقی قدیم قرار گرفت. تازه هنگامی که در سال ۱۸۷۸ «انجمن پورسل»^۱ شروع بانتشار مجموعه آثار او کرد توجه جهان موسیقی باردیگر باوجلب شد. اما اجرای يك دوره از آثار او بمناسبت دو بیستمین سال وفاتش در سال ۱۸۹۵ باز بر توجه عامه نسبت باو افزود. در روزگار ما که می توان گفت عصر رستاخیز موسیقی دوران یاروک است پورسل بعنوان یکی از برجسته ترین آهنگسازان قرن هفدهم شناخته می شود که سبکی کاملا شخصی و مخصوص بخود داشته اند.

قدرت آفرینش پورسل اغلب در ساختن آهنگ بروی متون انگلیسی موردعجاب و تحسین قرار گرفته است. بدون کوچکترین تردید و تحدیدی می توان گفت که چه قبل و چه بعد از او هیچ آهنگسازی نتوانسته است مانند او وزن و خصوصیات زبان انگلیسی را باین درجه از کمال بزبان موسیقی ترجمه کند. این استادی فقط محدود به قطعات رسیتاتیف نیست، درست است که این قطعات رسیتاتیفها بسیار گیرا و موثر هستند اما باید دانست که در عرصه آثار غنائی هم او توفیق کامل یافته است. قدرت خاص پورسل بعنوان يك سازنده لید در آنجاست که او احساسی بسیار لطیف و رقیق برای ملودی ها می دارد که بر کلمات می لغزند و بنظر می آید که با گذشتن و سپری شدن کلمات باز از سر جانی تازه می گیرند. از تجزیه فورم این لیدها معمولا نتیجه ای حاصل نمی شود زیرا قدرت تأثیر آنها نه منوط به قرینه سازی مصنوعی است و نه لازم است که آنها را بطور ساده تکرار کنند. البته این استعداد مخصوص بیشتر از همه در آثار متعددی که پورسل برای تئاتر تصنیف کرد مجال بروز و ظهور یافت. چون ابراً طبق نمونه های اروپائی خود در آن روزگار هنوز در انگلستان استقراری نداشت قسمت اعظم موسیقی همراهی کننده او زیاد باقطعاتی که بروی صحنه می آید ارتباطی ندارد، هر چند که انکار نمی توان کرد این موسیقی برای آن نمایشها واجد کمال اهمیت است. فقط يك بار پورسل دل بدریازد و بساختن يك اپرای کامل پرداخت اما باید دانست که این اثر را از جمله «اپراهای بزرگ» نمی توان محسوب کرد.

« دیدو و انه آس » که در سال ۱۶۸۹ برای یکی از مدارس دخترانه تصنیف شد بخوبی روشنگر این حقیقت است که او باچه دقتی سرمشق‌های ایتالیایی اپرا را مطالعه کرده است. از همین اثر می‌توان فهمید که هر گاه او در احوال و مقتضیات مناسب‌تری به تصنیف اپرا مشغول می‌شد تا کجا با موفقیت قرین می‌گردید.

مشخصات موسیقی انگلیسی را در آثار پورسل نمی‌توان نادیده و ناشنیده انگاشت. و باید دانست که این جنبه انگلیسی در آثار او منحصر به ملودیهای قطعات و جملات آوازی و رقصهای مشخص مصنفات صحنه‌ای او نیست بلکه بیشتر و جامع‌تر از همه این جنبه در بکار بردن يك زبان مخصوص موسیقی است که به سنن و رسوم قدیمی راجع می‌گردد و این بدون کمترین تردید این حقیقت را روشن می‌کند که چرا در قرن هیجدهم آثار او را «دمده» تلقی می‌کردند. مع هذا پورسل یکی از شیفتگان دوآتشه موسیقی ایتالیایی بود و خود او نیز این معنی را در مقدمه سونات تریو که در سال ۱۶۸۳ انتشار یافت و سایر مواضع اعتراف می‌کند؛ همچنین سرزندگی و نشاط آثارسازی او بخوبی نشان می‌دهد که او تا چه اندازه با آثار لولی Lully و سایر فرانسویان معاصر خود دلبستگی داشته است.

بهر حال پورسل را نمی‌توان فقط يك آهنگساز نوعی انگلیسی و یا يك مقلد سطحی سبك آهنگسازی ایتالیایی و فرانسوی دانست. کیفیات مخصوص آثار او که مورد اعجاب معاصرانش بود و ما، یعنی مردم امروزی نیز آنها را می‌ستاییم حاصل استعداد خلق و آفرینش روحی شخصی است که سخت به خود و باراده خود متکی بوده است. بهترین دلیل برای مدعی فانتزیهای او برای سازهای آرشه‌ایست که او در روزگار جوانی تألیف کرد. این قطعات از نظر صوری کاملاً متکی بر سنن و آداب قدیمی هستند و گواه بر آنند که مصنف در آثار موسیقی قرن هفدهم بدقت تمام مطالعه کرده است. از آن گذشته این قطعات بما نشان می‌دهد که آهنگساز در بکار بردن فنون مختلف و ریزه کاریهای فنی که از خصوصیات این نوع موسیقی است تا چه درجه استاد بوده است. از این‌ها گذشته از نظر هارمونی و تحول تدریجی اندیشه این قطعات چنان اصیل هستند که هر کسی برای نخستین بار آنها را بشنود بدون این که کوچکترین سایه شك و تردیدی بدل او راه یابد بلافاصله ناگزیر

تصدیق خواهد کرد که سازنده این آثار بحق شایستگی آنرا دارد که مهمترین آهنگساز انگلیسی دوران خود باشد.

اشاره به نکات باعظمت فنی آثار پورسل بخصوص از این جهت لازم بنظر می رسد که مردم بخصوص بیشتر پورسل را از رهگذر آثاری می شناسند که صفات ممیزه و بارز آنها روانی و سادگی فن آهنگسازیست. اما در باب کنترپوان در آثار او باید گفت که او هرگز در بکار بردن آن تاحد خشکی و بیبدلی اصحاب مدرسه افراط نکرد بلکه برعکس کنترپوان به آثار او نشاط و سرزندگی خاصی می بخشد. هر چند که بسیاری از سرودهای تهلیلی^۱ او از جمله آثار با ارزش دنیای موسیقی است و بخصوص یکی از این آثار آوازی مذهبی او - که برای مراسم تاجگذاری ژاکوب دوم تصنیف کرد^۲ - از جمله قطعات فراموش نشدنی است باز در این مورد اتفاق نظر حاصل است که پورسل در عرصه موسیقی دنیوی بهتر هنرنمایی کرده است. تازه در روزگار ماست که به بسیاری از زیباییهای قصاید او که بمناسبت اتفاقات و وقایع مخصوص درباری تألیف کرده و مدتها در بوته فراموشی مانده بود پی برده اند. علت عدم اعتنای مردم باین قطعات تا کنون این بوده است که نسبت به متون و کلمات آن دیگر در خود علاقه ای احساس نمی کرده اند.

مشکل بتوان گفت که تجدید حیات آثار او تاچه اندازه آهنگسازان معاصر را تحت تأثیر در آورده است. گوستاو هولست G. Holst و بنجامین بریتن Benjamin Britten هر دو از سرسپردگان پورسل هستند. اما باید دانست که در آثار این دو تن به مواضعی نمی توان برخورد که حاکی از تأثیر مستقیم پورسل در آنها باشد. برخلاف آن می توان تا اندازه ای بحق ادعا کرد که آهنگسازان معاصر ما کمتر تحت تأثیر زبان خاص موسیقی او قرار گرفته اند و بیشتر شخصیت غیر عادی و قوه ابداع او بعنوان مصنف لیدآنان را فریفته کرده است. بهر حال امروز دیگر وضع چنان نیست که فقط دوستانان موسیقی قدیمی زباناً مراتب احترام خود را به پورسل یاد آور شوند. نام او در تمام جهان موسیقی برای خود جایی باز کرده است و تا دنیا دنیاست نیز بر جا خواهد ماند.

ترجمه ك . جهانداري

Anthems - ۱

« My Heart is Inditing » ۲